

# شاه زدایی

## طرح هنری پرشت و جبهه تهاجم

امیرفیض- حقوقدان

همانطور که استحضار دارید بمناسبت سالگرد درگذشت شاهنشاه آریامهر برنامه های خاصی به اجرا گذاشته شد؛ یکی از این برنامه ها که این کوچکترین ارادتمند هم توانست مفتخر به شنیدن قدری از آن بشود برنامه «من و تو» بود که بهمت جاوید ایران از آن استفاده کردم.

در این برنامه موضوع بسیار حساسی مطرح شد که برای بنده که در جهت طرح هنری پرشت و سواس تحقیق دارم بسیار تکان دهنده بود و تصمیم بر آن شد که موضوع با ایرانیان به اشتراک گذاشته شود.

### موضوع چیست

گوینده برنامه به نقل از کیهان تهران مورخ پنجم امرداد ماه سال ۱۳۵۹ گفت کیهان که با شادی مرگ شاه را اعلام میداشت و از تظاهرات مردم تفصیل نشان میداد نوشت:

**<ما شاه زده هستیم و باید شاه زدگی را در تمام صفوف از بین ببریم>**

عنوان پر محتوا و پرمعنائی است که علت وانگیزه طرح هنری پرشت و پیامدها و علل بسیاری از جریانات خارج از کشور را براحتی آشکار میسازد.

ما "شاه زده هستیم"، به این معناست که تاروپود جامعه ما از لیاقت شاه دوستی و احترام به شاه و قبول الهی بودن موقعیت شاه بافته شده است. همانطور که وقتی گفته میشود فلانی شراب زده هست یعنی آن شخص نشئه شراب و احاطه در قدرت مستی است، **شاه زده** بودن هم میتواند به این معنی گرفته شود که مردم ایران مست و خرابات شاه هستند (خرابات چه به معنای فلسفی و یا لغوی) و استثنا پذیر نیستند.

همانطور که وقتی گفته میشود جامعه ما اسلام زده است یعنی تاروپودش از باورهای اسلامی و احترام به اسلام تنیده شده است جامعه **شاه زده** هم همینطور است.

در اسناد وزارت خارجه آمریکا که از رستاخیز ۲۸ امرداد انتشار یافته گزارشی است از هندرسون سفیر آمریکا در تهران که وزارت خارجه آمریکا به او تکلیف مشورتی داده به اینکه میتوان با کودتایی علیه شاه و مصدق مشکل مخالف شاه با عزل مصدق را حل کرد **هندرسون جواب میدهد بدون فرمان و پشتیبانی شاه هیچ عملی در ایران ممکن نیست.** در اسناد سفارت آمریکا گزارشی از سالیوان به وزارت خارجه آمریکا است که سالیوان در آن نوشته: **<ایرانیان فرد گرا هستند و این فردگرایی تنها متوجه شاه است و پس>** و بعد از این گزارش بود که هایزر با برنامه سلب وفاداری ارتشیان از شاه به ایران اعزام شد. این واقعیت را جمهوری اسلامی به **جامعه شاه زده** تعبیر کرده در حالیکه درست آن واژه جامعه شاه گراست یعنی جامعه ای که تحت قدرت معنوی شاه ایستاده و یا حرکت میکند

**این اشارات بدان جهت آورده شد تا قبول کنیم که مسئله شاه‌گزائی ما ایرانیان تنها در فرهنگ و آداب و رسوم مانیست خارجی‌ان هم کاملاً به آن واقف میباشند.**

## جمهوری اسلامی و شاه‌گزائی

درک بزرگ و حساس جمهوری اسلامی به شاه‌زدگی (شاه‌گزائی) ملت ایران خاصه دروازه‌ها که کلیه آخوندهای جمهوری اسلامی و نویسنده‌های کیهان را هم شامل میشود هیچگاه با این صراحت و روشنی در گفته‌های سابق آنان دیده نشده است. آنقدر استفاده این واژه بنظر عجیب میآید که فکر میکنم اگر هیجان ناشی از درگذشت شاهنشاه ایران نبود هرگز کیهان از این واژه برمعنا استفاده نمیکرد؛ زیرا جمهوری اسلامی با این به معضلی مواجه میشود:

## معضل به این معنا

درحالیکه جمهوری اسلامی قبول داشته که جامعه ایران باید **شاه‌زدگی** بشود مفهومی این است که جامعه ایران زیر چترشاه‌گزائی و شاه‌دوستی قرارداشته است.

پس شورش علیه شاه چه معنا و محتوایی میتواند داشته باشد؟ ماهیت این شورش میشود شورش علیه حقی که درجایگاه مردمی خود قرارداشته است. **پس** کشتارهای اطرافیان شاه چگونه قابل توجیه است جامعه‌ای که از بن‌شاه‌گراست **چرا باید** علیه شاه به شورش و ادارشود؟ آیا شورش علیه چنین شاهی که جامعه‌گراست و برعکس آنهم رواست یعنی ایرانی شاه‌گراست به آن شورش ضد شاه **چگونه** میتوان مشروعیت داد؟

## واما بعد

جمهوری اسلامی با آگاهی از این فصل روحی و فرهنگی و اخلاقی مردم ایران نسبت به شاه از همان لحظه درگذشت شاه بفر شاه‌زدائی افتاد، و طرح هنری پرشت که یکسال قبل از درگذشت شاه بتصویب وزارت خارجه آمریکا رسیده بود و بطور حتم جمهوری اسلامی در جریان طرح مزبور قرار داشته است، (عوامل انگلیسی آنرا جلو میبردند) موقعیت جمهوری اسلامی را در استفاده از شاه‌زدائی محکم و درجهت طرح هنری پرشت قرارداد. چرا که تحریم سیاسی و لיעهد وقت و ممنوعیت از حرکت در مسیر تداوم سلطنت، مفهوم وسیع آن در برگیرنده همان شاه‌زدائی از فرهنگ و سنت و قانون اساسی مشروطیت ایران هم بود و در واقع میتوان گفت با درگذشت شاهنشاه، و اقدام جمهوری اسلامی به اجرای طرح شاه‌زدائی به طرح هنری پرشت دامنه‌اجرائی داده شد.

## ابعاد سیاست شاه‌زدائی

سیاست شاه‌زدائی، پس از درگذشت شاهنشاه، درفضای جمهوری اسلامی ایران بشدت فوق‌العاده‌ای بجریان افتاد و کتابهای بسیاری از سوی جمهوری اسلامی در مذمت شاهان پهلوی و توجه اتهامات سنگین به چاپ رسید که درنشریه سنگربه آنها اشاره شده است، اما قابل تامل و تعجب نشت فراگیرشاه‌زدائی درسخنان اطرافیان و خود اعلیحضرت بود، که کمترکسی میدانست علت آن چیست تا جایی که نیویورک

تایمز نوشت «رضا پهلوی با پدر خود به جنگ برخاسته است». البته کمتر و شاید هم هیچ ایرانی خارج از کشور نمیدانست که زیر این بلوای بی اعتبار کردن شاهنشاه چرخهای طرح هنری پرشت است که به آرامی میچرخد و بوسیله اطرافیان اعلیحضرت مدیریت میشود.

### جمهوری اسلامی و تهاجم به ولیعهد

نگاه به اسناد مبارزه و انتشارات جمهوری اسلامی نشان میدهد که جمهوری اسلامی هیچ تهاجم اخلاقی را نسبت به اعلیحضرت رضاشاه دوم قبل از سوگند سلطنت بکار نبرد و حتی بعد از ادای سوگند هم بیک بیانیته نصیحت آمیز اکتفا کرد و طیق انتظار، لبه تیر حمله های تهاجمی و یا فتوائی را متوجه ایشان نساخت و کیهان تهران که در واقع بیان کننده احساسات عمومی جمهوری اسلامی است در حد تخصیص عنوان نیم پهلوی قناعت کرد.

همان اسناد که در آرشیو سنگرمعکس است و این تحریر با استفاده از آنها منظم میگردد؛ نشان میدهد که کم، کم به دلایلی کاملاً روشن که نیازی به طرح آن نیست، تهاجم و افترا سازی نسبت به شاهنشاه از برنامه جمهوری اسلامی خارج شد، و بطور طبیعی خلاء حاصل از توجه ایرانیان به شاه (به تعبیر جمهوری اسلامی شاه زدگی) متوجه اعلیحضرت رضا شاه دوم شد (اصل متکی بودن ایرانیان به شاه = شاه گرایی).

### مشکل جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نمیتوانست، همانطور که شاهنشاه ایران را هدف اتهامات و فحاشی ها ساخته بود همان رویه را نسبت به اعلیحضرت اتخاذ کند زیرا سالها در این مقام قرار نگرفته بود و اتخاذ یک جبهه تازه علیه ایشان دلیل رشد و بوجود آمدن یک موقعیت سیاسی فوق العاده برای اعلیحضرت و هراس و ترس برای جمهوری اسلامی میشد و جمهوری اسلامی نمیتوانست از چنین امری استقبال کند.

جمهوری اسلامی میداند که اکنون هیچ خطری از ناحیه شاهان پهلوی در خاک خفته، متوجه آنها نیست و آنچه که نوید خطر را میدهد نه اقدامات احتمالی و نظامی اعلیحضرت، بلکه تنها محبوبیت و پاکدامنی و روحیه انسان دوستی و شخصیت سیاسی و تحصیلات عالیه و ایران دوستی اوست.

### یاد زهر جمهوری اسلامی

اینجا بود که جمهوری اسلامی ب فکر ایجاد یک جبهه مشخص با مشارکت گروهی از سلطنت طلبان افتاد برای پایمال کردن همه آن اعتباراتی که مردم ایران برای اعلیحضرت چه بصورت سنتی و یا درک علمی و سیاسی قائلند؛ زیرا وقتی گروهی شهادت دادند که صفاتی که مردم در شخص معینی میپندارند واقعی نیست، بالطبع افول آن شخصیت از توجه مردم آغاز میگردد. بقول فیلسوفی؛ «مرد، منسجم در اخلاق و شخصیت مردانگی است» یعنی اگر آن اخلاق نبود مردانگی هم نیست.

جبهه مزبور که بوسیله امید دانا نامی براه افتاد شیوه خاصی را بکار برد و آن این بود که ضمن تجلیل از شاهان پهلوی، هدفی را که مورد نظر جمهوری اسلامی بود را دنبال کرد، یعنی بایک رشته اقدامات که در تحریرات سابق به شرح رفته اعتماد عمومی ایرانیان را به اعلیحضرت هدف تخطئه و تحقیر قرارداد

و با سلسله اقدامات و اظهاراتی؛ اعلیحضرت رضاشاه دوم را سخت مورد تهاجم قرار داد، و اینها همه در زیر شعار و پرچم تجلیل از شاهان پهلوی صورت گرفت و در واقع تجلیل از شاهان پهلوی پرچمی آشنا بود که سلطنت طلبان به احترام آن پرچم احساس غربت دوری نکنند و دست از مخالفت و مقاومت بکشند. درست همانند جنگ صفین بین علی و معاویه که طرفداران معاویه بنا بر پیشنهاد عمرو عاص با بر سرنیزه کردن قرآن مانع مقاومت آنها شدند.

### **به نیابت از جمهوری اسلامی**

تمام اتهامات و توهین ها و فحاشی های ردیلانه ای که جمهوری اسلامی نخواست و یا نتوانست متوجه شاهنشاه ایران کند، بطورکامل و درپست بوسیله جبهه امید دانا منتسب و منتقل به اعلیحضرت رضاشاه دوم شد، و در کمال تعجب همان هزار پای طرح هنری پرشت که اطراف اعلیحضرت را گرفته بودند، نگذاشتند که اعتراضی نسبت به رفتار آن جبهه که بنماینده جمهوری اسلامی برنامه را کار سازی میکرد بعمل آید چه از ناحیه دفتر اعلیحضرت و چه از جانب گروههای سیاسی سلطنت طلب راه سکوت انتخاب شد و حاصل این سکوت و بی توجهی این شد که پس از مدتی شخصی بنام دکتر نصر احمدی همان برنامه رابه کیفیت تازه ای وبا استفاده از همان الگوی امید دانا همراه اتهامات دیگر مطرح کرده است. .... و آنطور که خود او درنامه اش آورده است شده اسن <چو دزدی با چراغ آید گزیده تری برد کالا>.

### **خدمت جبهه تهاجمی به طرح هنری پرشت**

❖ **جبهه تهاجمی به اعلیحضرت رضاشاه دوم درکنار طرح هنری پرشت** تامین کننده همان فصل و برنامه شاه زدگی است که جمهوری اسلامی بمجرد درگذشت شاه درقاهره آنرا مطرح و نگرانی از آنرا اعلام داشت.

❖ **جبهه تهاجمی علیه اعلیحضرت ضعف طرح هنری پرشت را برطرف ساخت.** اگر طرح هنری پرشت مربوط به صلاحیت و رسمیت تداوم رژیم سلطنتی ایران بود و هست، یعنی سلطنت را پایان یافته میدانست و بهمین دلیل هم ولیعهد وقت را محروم از فعالیت سیاسی درجهت تداوم سلطنت کرده بود، ولی طرح مزبور توجهی به صلاحیت و شخصیت ولیعهد نداشت و در واقع به این ترتیب طرح هنری پرشت هیچ دخالتی در شخصیت اعلیحضرت و قضاوت نسبت به آن نکرده بود، و هر زمان که تحریم های سیاسی آمریکا علیه اعلیحضرت برداشته میشد اعلیحضرت میتواند در مقام و جایگاه سلطنت ایران قرار گیرند.

**ولی جبهه تهاجم به اعلیحضرت، فصلی را گشود و به آن وجهه سلطنت طلبی داد و به تائید سلطنت طلبان هم رساند که اساسا صلاحیت به معنای عام و خاص کلمه اعلیحضرت زیر سوال قرار گرفت و در کلامی نا خوشایند سلب صلاحیت و اعتبار اعلیحضرت شد.**

بر اساس برنامه و دستاورد جبهه تهاجم، موقعیت و مقام و جایگاه سلطنت نمیتواند فراگیرنده و پذیرای شخصی باشد که دارای صفات و اتهامات زیر است؛ این است خدمت بزرگ و غیر قابل تصور جبهه تهاجم به جمهوری اسلامی و طرح هنری پرشت.

به لیست کلکسیون فحاشی ها که در زیر آمده توجه کنید و آنوقت ببینید که چگونه زمینه عدم تعلق جایگاه سلطنت رابه اعلیحضرت از نظر صلاحیت فراهم ساخته اند و این برنامه چگونه پایه های حقوقی متزلزل و بی اعتبار طرح هنری پرشت رابه مبانی و صلاحیت اخلاقی و ملی پیوند زده است.

این تحریر نمیخواهد گفته باشد که جبهه تهاجم موفق شده است ولی میگوید و عقیده دارد که:

اگر پر شود برکه ای از گلاب سگی چون فتد میشود منجلا ب

### کلکسیون فحاشی ها

کلکسیون فحاشی های جبهه تهاجم (امید دانا و همراهانش) به جهت اینکه از سوی آقای نصر احمدی استقبال و اضافه مورد و تعداد شده است کامل آن به روز به اینجا آورده میشود:

### کلکسیون فحاشی ها و اتهامات به اعلیحضرت

- ۱- دشمنی با موجودیت ایران - ۲ دشمنی با ملت ایران - ۳- خواستاری مرگ شاه ۴- بیکاره - ۵ - شارلاتان - ۶- احمق - ۷ - کوتاه بین ۸ - بیسواد ۹ - پول پرست - ۱۰- خائن - ۱۱- بی شرف
- ۱۲- بی آبرو- ۱۳- مفتضح ۱۴- پشه - ۱۵- عروسک - ۱۶- حقه باز- ۱۷ - غیرقابل اعتماد - ۱۸- دروغگو ۱۹ - خمینی دوم - ۲۰- کسی که بعلت تنهائی چاره ای جز کوبیدن سر خود را به دیوار ندارد
- ۲۱- قصولات انسان - ۲۲- نالایق - ۲۳- بدجنس - ۲۴- خدا از بابت غرور- ۲۵- درود بر مردمی که در فیس بوک به رضا پهلوی توهین میکنند - ۲۶- رضا پهلوی پشت به میهن کرده - ۲۷- کجرو و ناتوان - ۲۸ - جیره خوار شیوخ عرب - ۲۹ - شاه سلطان حسین ما - ۳۰- آزادگان برویش تف انداخته اند - ۳۲ - رضا پهلوی بی غیرت ۳۳- تف هرچه دهاتی است بر این بی غیرت- ۳۴- ناپهلوی - ۳۵- مترسک - ۳۶- بی پرنسیپ - (۳۷- نماد بودن اعلیحضرت هم زیر سوال رفت؛ <الکی و مجازی بودن نماد ملی> ۳۸- در راستای میهن قرار ندارد- ۳۹- برای سلطنت هم تربیت نشده - ۴۰- تقریباً عمرش هم بسرآمده).

تتبعات داخل پراتز از آقای نصر احمدی است که اخیرا در راه تبعیت از امید دانا و جبهه تهاجم به اعلیحضرت مفتخر به خدمت و بیعت با امید دانا شده در حالی که او مدعی است با مهر و دوستی و باجان و روان دست برادری و پیمان با اعلیحضرت داده است (وای به دیگران)

کی این حضرات خاصه آقای نصر احمدی خواهند فهمید که چگونه تمام قد و با تمام هویت سیاسی که دارند در مسیر جا انداختن اهداف جمهوری اسلامی قرار گرفته اند.